

مسیئولوژی کالمدلینگ بررسی هفت مدل تبشیری
هم‌بافت‌مندی در جهان اسلام
سید جعفر هاتف الحسینی^۱

چکیده

مسیحیت تبشیری برای نفوذ در جهان اسلام اقداماتی را از صد سال پیش آغاز کرد. بعد از نابودی استعمار، سلطه استعمارگرایانه مسیحیت هم تضعیف شد. به این ترتیب حمایت میسیونرهای مسیحی خارجی از نو مسیحیان مسلمان زاده از بین رفت و آنها به موازات استعمار نو، روش‌های جدیدی را اتخاذ کردند. میسیئولوژیست‌ها به تجربه دریافتند که در روش‌های سنتی تبشیری، به دلیل غفلت از مقوله‌هایی چون فرهنگ و بافت اجتماعی مقاصد تبشیری، چندان توفیقی در مسیحی‌سازی مسلمانان نداشته‌اند؛ بنابراین به تدریج به سمت روش‌های تبشیری نوین روی آوردند که الزامات فرهنگی و زمینه جامعه مقصد را مورد توجه قرار می‌داد. یکی از رویکردهای نوین تبشیری روش «هم‌بافت‌مندی» است که در این مقاله به صورت تحلیلی و توصیفی و با بررسی اسناد میسیئولوژی به آن پرداخته است. در نوشتار حاضر ضمن بررسی این رویکرد و معرفی طیف C با تاکید بر C5 یا جنبش درون، مدل‌های اجرایی رویکرد هم‌بافت‌مندی سازی مانند: مدل شتر روش پل زنی قرآن و انجیل، مدل طلوع، روش ترجمه بومی کتاب مقدس، مدل تغییر کیش آلن تیپت روش تغییر هویت و مدل محمد پیامبر کتاب مقدس در اعتقادات مسلمانان بررسی می‌شود. پروتستان‌ها، مخالف C5 «جنبش درونی» هستند و این مدل را افراطی و خطرناک می‌دانند. مدل هویت یکپارچه در مسیح در مقابل مدل جنبش درونی است که توسط دکتر فرد فرخ نوشته شده است. مدل جزئی آن مدل پل زنی مفهومی است که سعی به انتقال مصداقی هویت اسلامی به هویت مسیحی را دارد.

کلید واژگان: مدل تبشیری. میسیئولوژی. مدل شتر. مدل طلوع. جنبش درونی. طیف C5

۱. سید جعفر هاتف الحسینی، فارغ التحصیل سطح سه حوزه علمیه قم. SJ.HATEF@YAHOO.COM

مقدمه

قرن گذشته شاهد آزمایش‌های قابل ملاحظه مأموریتی در زمینه بشارت به مسلمانان بوده است. این آزمایش‌ها به سرعت باعث مناقشات بسیاری در جامعه میسیونری شد. این مناقشات بر اساس این سوال که آیا تلاش‌های هم‌بافت‌مندسازی شده از حد مجاز خارج شده و به همسان‌گرایی کشیده است یا خیر و این که آیا رویکردها و الگوهای جدید، امکانات جالبی در بشارت به مسلمانان ارائه می‌دهد ایجاد شده است.

از لحاظ تاریخی، زمینه‌های اسلامی، چالشی برای مسیحی‌سازی جامعه اسلامی بوده است. برای قرن‌ها، این چالش زمینه‌ای، باعث شد بذر کمی از انجیل در جوامع مسلمان کاشته شود.

میسیونرهای امروزی را باید به خاطر نیت‌شان در جبران ضعف تبشیر در بین مسلمانان تحسین کرد. تلاش‌های میسیونری مانند دیگر تلاش‌های بشری شامل آزمون و خطا، آزمایش‌ها و خلاقیت برای بدست آوردن هدف تعیین شده می‌باشد؛ با این حال، مأموریت‌ها از بسیاری دیگر از تلاش‌های انسانی متفاوت است.^۱

پیشینه تحقیق

در مورد مدل‌های میسیولوژی مسیحیت تبشیری در ایران مقاله نوشته شده است.

1. Farrokh Fred. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE 1 / FEBRUARY 2018 p 54

این مقاله قصد دارد به تحلیل مدل های تبشیر بر اساس علم مسیئولوژی که یکی از علوم تبشیر کلیسایی است، پرداخته و اختلافات و نظریات مسیئولوژیست ها را در مدل‌ها تحلیل کند.

مفاهیم نظری

مسیئولوژی: لفظ مسیئولوژی از دو کلمه میسیون و لوژی ساخته شده است. mission + logy پسوند لوژی یونانی (λογία) است و به معنای تبشیر شناسی است. مسیئولوژیکال به معنای علوم مرتبط با علم مسیئولوژی است.

مسیئولوژی، علمی دانشگاهی است که سوابق و اطلاعاتی نظیر مبانی کتاب مقدس و تاریخ، روش شناسی انسان شناسی، تکنیک ها و مبانی میسیونرهای مسیحی را تحلیل می کند.

وظیفه مسیئولوژی در هر دوره نقد و بررسی انگیزه‌ها، سازه‌ها روش‌ها، مدل‌ها و رهبریت کلیساها است. مسیئولوژی، به طور جدی به بررسی تاریخ می پردازد؛ مسیئولوژی، به دنبال درک شرایط ایمانی مسیحی در شرایط مختلف است؛ مسیئولوژی، علمی جامع از علوم مختلف است این علوم عبارتند از تاریخ، الهیات، علوم اجتماعی و استراتژیک میسیون است.^۱

اصل سولا اسکریپچورا^۲: (به لاتین کتاب مقدس به تنهایی) یک آموزه الهی توسط مسیحیان پروتستان در مورد کتاب مقدس است.

1 Steffen Tom. Missiology's Journey for Acceptance in the Educational World. Missiology: An International Review.vol. XXXI, No.2, April 2003 pp131-137

2 Sola Scriptura

هم‌بافت‌مندسازی^۱: برنامه آگاهانه و تلاشی هدفمند برای برقراری انجیل در راه فرهنگ زندگی است. هم‌بافت‌مند سازی تلاش برای برقراری ارتباط انجیل به شیوه حسی با فرهنگ محیطی مردم است. مسیحیت، الهیات را با عمیق‌ترین نیازهای مردم مطابقت می‌دهد و به جهان بینی فرد نفوذ می‌کند، به این ترتیب به آنها اجازه می‌دهد که به دنبال عیسی مسیح باشند و در فرهنگ خود باقی بمانند. هم‌بافت‌مند سازی مخالف اصل «سولا اسکریپچورا» است چرا که یکپارچه سازی، کتاب مقدس را به خطر می‌اندازد.

سینکرتیسم^۲ یا همادینی

سینکرتیسم، هماهنگی عمدی یا غیر عمدی دو یا چند نظر مخالف در باورها، شیوه‌ها، اصول یا سیستم‌های مذهبی است که منجر به چیزی جدید می‌گردد؛ همان‌گونه که در کتاب مقدس سینکرتیسم زمانی اتفاق می‌افتد که مسیحیت از یک شکل فرهنگی اقتباس شود؛ ولی هنوز با آن معنای متصل از سیستم عقیده قبلی در ارتباط است.

این معانی قدیمی، می‌تواند به شدت مفهوم مسیحیت را تحریف یا مبهم کند. وقتی مسیحیان به نقطه‌ای می‌رسند که در آن نمی‌توانند بین اصول کتاب مقدس و شیوه‌های فرهنگی تمایز قائل شوند، سینکریسم را

1 Contextualization

2 Syncretism

به راه حل عادی می‌پذیرند. مشکل این است که دقیق نیست اما یک سیستم فکری است.^۱

به حدود^۲: یک اصطلاح میسیونری است، به معنای اقدامات فریبده الهیاتی برای باز تفسیر اصول دینی برای کم رنگ شدن اصول اعتقادی و جلب اعتماد مخاطب مسلمان و در نهایت جذب مخاطب به مسیحیت هستند مانند پذیرش حضرت محمد ﷺ به عنوان پیامبر توسط میسیونرهای مسیحی برای کاهش جایگاه خاتمیت و رسالتی ایشان در حد پیامبران کتاب مقدس که نتیجه آن گسترش این تفکر در جامعه اسلامی است.

پیش زمینه های طراحی مدل های تبشیری بر اساس نظریه همبافت مند سازی در طول عصر استعمارگری، تقریباً همه مسلمانان زیر سلطه اروپائیان زندگی می کردند که از دید عموم، مسیحی قلمداد می شدند. اما آنها در مسیحی سازی مسلمانان بسیار ناکام بودند و اگر بعد از مدت ها مسلمانی به مسیحیت گرایش پیدا می کرد ناگزیر جوامعی را که در آن به دنیا آمدند را ترک می کردند و در خارج از آنجا زندگی خود را از سر می گرفتند. و این مشکل باعث می شد که کلیسا نتواند از نو مسیحیان، به عنوان ابزاری برای تبشیر و مسیحی سازی سایر مسلمانان بهره بگیرد .

1 Edwin Reynolds, "New Testament Principles and Models for Ethical Contextualization of Missions." A paper presented at the Eighth Biblical-Theological Symposium for the Faculty of Theology at the Adventist University of Chile, Chillan, Chile, May 18-20, 2009

2 encroachment

پرسشی که مطرح می شود این است: « میسیونرها نوایمانان را بیرون کشیدند، یا امت اسلامی آنها را اخراج کرد؟».

در عصر پس از استعمارگری، میسیونرهای غربی تا دهه ۱۹۷۰ هم رأی شدند که دلیل ثمره محدود، در زمینه های اسلامی، اشتباه میسیونرها بوده است که نوایمانان را از جوامع اسلامی بیرون می کشیدند.^۱ اما سام اشلورف میسیونر، نظر دیگری داشت وی بیان می کند:

واضح است که مسئولیت اصلی اخراج نوایمان مسلمان زاده از فرهنگ شان، برگردن شریعت، به خصوص نظام حکومت داری اسلامی در قبال اقلیت های دینی، و همین طور قانون ارتداد است... متأسفانه، تلاش گسترده ای که صورت گرفته تا این که تقصیر سرسختی مسلمانان نسبت به انجیل را برگردن سیاست بیرون کشی توسط میسیونرها بیاندازند، باعث شده که میسیونرهای جوان تر تشویق شوند که راه هایی را تجربه کنند که فقط می توان لفظ افراطی را برایش مناسب دانست.^۲

کم کم مبشرین مسیحی به مدل هایی دست یافتند که مبتنی بر آن می توانستند نو مسیحیان را در جوامع اسلامی نگه دارند تا بتوانند از آنها به عنوان ابزاری موثر برای مسیحی سازی سایر مسلمانان بهره بگیرند. کلیسای تبشیری از روش های مختلفی استفاده کرد. روش اولیه استفاده از قرآن برای انتقال یک گفتگو با مسلمانان در مسائل معنوی آغاز شد. آنها هم چنین از مدلی با نام «آزمایش آب ها» استفاده کردند و به مرور زمان متوجه شدند انتقال پیام مدل مؤثر بوده است.

1 Fred Farrokh. Pursuing Integrated Identity in Christ in Ministry to Muslims. JOURNAL OF GLOBAL CHRISTIANITY. VOLUME II / ISSUE I / 2016 p 25

2 Sam Schlorff, 2000. "The Translational Model for Mission in Resistant Muslim Society: A Critique and an Alternative." Missiology 28, no. 3 (2000): 316

از آنجا که به اشتراک گذاری انجیل به طور مستقیم با یک مسلمان می تواند یک مشکل باشد، مخصوصا اگر مخاطب یک مسلمان معتقد به اصول دینی باشد. مسلمانان، علاقه دارند برای شروع، آیه هایی که ویژه آنان در قرآن آمده است، بیان شود.

آنها به این نتیجه رسیدند که برای مسیحی سازی مسلمانان بهتر است از آیات تدافعی و آیاتی که از عیسی یا کتاب مقدس صحبت نمی شود استفاده کنند.

تمرکز خود را بر روی «مدل پل» برای ارتباط بگذارند. بیان هر کدام از آیات باید بر اساس عکس العمل مخاطب باشد. پس از این که مسلمانان به عیسی مسیح ایمان آوردند، دیگر قرآن خود را حفظ نمی کنند.

این روش تبشیر مهم ترین عامل در سرعت گرفتن مسیحی سازی مسلمانان شمرده می شد. به طور معمول مسلمان در اولین برخورد، انجیل را قبول نمی کنند. میانگین زمان بین شنیدن قابل فهم تا ارائه انجیل و ایمان آوردن به عیسی مسیح ممکن است از سه هفته تا شش ماه طول بکشد.^۱ پل فرانسیس نیترا استاد الهیات کاتولیک می نویسد:

مسیحیت کاتولیک رومی چند دهه بعد از شورای واتیکان یک شیفت در میسیئولوژی در سال (۱۹۶۲-۶۵) ایجاد شد. تلاش کلیسا در جامعه ایجاد یک پادشاهی از مسیح بود. در جامعه ارزش های مسیحی گسترش یابد و عیسی مسیح فقط محصور به کلیسا نباشد.^۲

1 Greeson Kevin. THE CAMEL How Muslims Are Coming to Faith in Christ Revised Edition. Published by WIGTake. 2010 pp 29-31

2. KNITTER PAUL F. Mission and Dialogue. Missiology: An International Review, Vol. XXXIII, no. 2, April 2005 p 201

برهمن اساس استفاده از روش هم‌بافت مند سازی در بین مبشران مسیحی رواج یافت. کشیش فرد فرخ در مخالفت با زمینه مند سازی می نویسد:

در ژوئیه ۱۹۸۷، ژورنال داخلی بررسی جهان اسلام به مسلمانان هشدار داد که میسیونرهای مسیحی در حال استفاده از یک سبک پنهان کارانه و متقلبانانه به نام «رویکرد زمینه مند سازی» شده‌اند؛ معنای این هشدار این است که در بافت مردم و فرهنگ کشوری که در آن فعالیت مسیحی سازی می کنند و در ارتباطشان با افراد ساده و اغلب بی سواد روستایی از کمترین صداقت برخوردارند.

آنها دیگر خود را در نواحی مسلمانان، آشکارا مسیحی خطاب نمی کنند، بلکه پیروان عیسی معرفی می کنند. این نقل قول نشان می دهد که مسلمانان صرفاً نگران از دست دادن پیروان خود نیستند بلکه نگران روش‌های فریبنده و غیر اخلاقی هستند.^۱

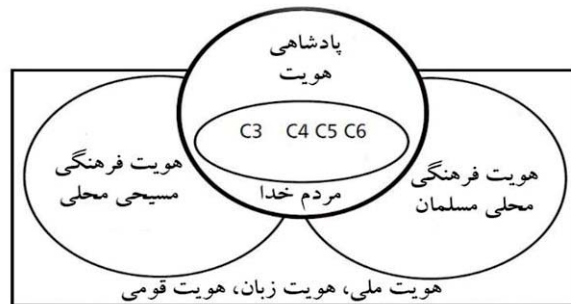
مدل طیف C از جان تراویس

چنان‌که گفته شد هم‌بافت مند سازی، سازگاری محتوای تبشیری مسیحی با فرهنگ بومی منطقه است. هنری ریگز در سال ۱۹۳۸ این پرسش را مطرح کرد: «آیا در بشارت به مسلمانان باید مسیرهای شکست نخورده را امتحان کنیم؟» طرح پیشنهادی ریگز، منجر به تولید گروهی از «پیروان مسیح» شد؛ البته در حالی که وفاداران به گروه های اجتماعی و سیاسی باقی به اسلام معتقد بودند.

1. Farrokh Fred. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE 1 / FEBRUARY 2018 p 54-55

نظر ریگز جز اولین مدل های روش شناسی تبشیر مسیحیت بود.^۱ جان جی تراویس^۲ همبافت مند سازی را در تقسیمی جدید، در شش دسته ارائه کرد. او جوامع مسیح محور را در قالب طیف C^۳ دسته بندی کرد.

تراویس معتقد است واژه «مسیحیت» برای مبشرین و فعالین حوزه تبشیر به معنای تجربه عیسی با قلب و تغییر زندگی افراد است. اما مسیحیت برای مسلمانان با دلالت ضمنی بر استعمار، امپریالیسم، فرهنگ غرب، جنگ های صلیبی، و همین طور پوشش نامناسب، عدم احترام به بزرگ ترها، مصرف مشروبات و مبادرت به امور جنسی نامشروع و دیگر معانی منفی همراه است.



شکل : منابع هویت و فرهنگ (نظریه ریک براون)

بنابراین جای تعجب نیست که تغییر دین به مسیحیت را خیانت به خانواده و جامعه و پیوستن به دشمن می دانند. بنابراین به دلیل این تفاوت

1 Farrokh Fred. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE I / FEBRUARY 2018 p 54-55

۲. جان جی تراویس نام مستعار است. او یک مسیولوژیست مطرح و صاحب نظر است.

3. Christ centered communities

معنایی، معتقدین به این مدل از تغییر کیش در اسلام و مسیحی شدن استفاده نمی کنند؛ بلکه از پیروان عیسی برای جوامع مسلمان استفاده می کنند.^۱ فرهنگ بومی اولویت اصلی در تبشیر قرار گرفت.

• C۱ کلیسای سنتی با استفاده از زبان بیگانه (به عنوان مثال، انگلیسی).

• C۲ کلیسای سنتی با استفاده از زبان خودی (به عنوان مثال، عربی، بنگالی، اردو).

• C۳ جوامع درونی با استفاده از زبان خودی و فرم های فرهنگی (لباس، موسیقی، و غیره).

• C۴ جوامع درونی با استفاده از زبان های خودی، فرهنگ اسلامی که با اشکال کتاب مقدس سازگار هستند. ایمانداران یک هویت مسیحی را توسعه می دهند.

• C۵ جنبش درونی انجمن های مؤمنان مسیحی - مسلمان که هویت اسلامی خود را حفظ می کنند.

• C۶ مؤمنان راز، منزوی یا زیرزمینی. این یک مدل متدولوژی نیست، بلکه استراتژی بقا است.^۲

1. International journal of frontier missions, vol.17 :1 spring 2000.p53

2. Martin.Carlos G .A BIBLICAL CRITIQUE TO C5 STRATEGIES AMONG MUSLIMS. Published in "Spiritual Dynamics" of www.GlobalMissiology.org July, 2012 p 4-5

C۶	C۵	C۴	C۳	C۲	C۱
ایمانداران مخفی؛ افرادی که در جامعه مسلمان فعال یا غیر فعال هستند.	C۴ با هويت مسلمان عيسی	C۳ با برخی مناسک اسلامی مورد قبول کتاب مقتاس	C۲ و استفاده از عناصر فرهنگي غير اسلامی (پاس، موسیقي، هنر ورژیم غذایی)	در فرم تشبیه C۱ اما با زبان مقصد اصطلاحات کادلا دینی مقاوت	تلیسای خارجی ر جامعه هم به حافظ فرهنگ و م زبان
مخفیانه؛ مسیحی پرو عیسوی	جیش درونی با نام های دیگر مسلمان عیسوی، کربلام و غیره...	پیروان عیسوی	مسیحی	مسیحی	مسیحی
مسلمان	مسلمان با فکر جدید (عجیب)	نوعی مسیحی بومی	مسیحی	مسیحی	مسیحی

C۵ یا جنبش درونی

در این دسته بندی C۵ یا جنبش درونی نسبت به سایر دسته ها از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این طیف مسیحیان نوکیشانی قانوناً و به لحاظ اجتماعی بازهم جزئی از جامعه اسلامی محسوب می شوند.^۱ ابتکار در روش C۴ و C۵ با رویکردهای مشابهی آغاز می شوند. در این دو طیف با استفاده از قرآن فرد مسلمان به مسیحیت گرایش پیدا می کند و سپس تشویق می شود که ضمن حفظ ایمان مسیحی به فرهنگ اسلامی خود متعهد باشد. افراد در C۴ زمانی که آماده شوند برای تغییر کیش تعمیم می گیرند. در C۵ حتی بعد از تعمیم، هنوز متعهد به پنج ستون اسلام هستند. پنج ستون به شرح زیر است:

۱. عبادت صلاة یا نماز مسلمان به سمت مکه: «نماز را پنج بار در روز انجام دهید».
۲. نوشتن شهادت یا اعتراف به ایمان: «خدا یکتاست و محمد رسول خدا است».
۳. در طول ماه رمضان در مراسم بزرگداشت قرآن کریم شرکت می کنند.
۴. زکات و وجوه دینی می دهند
۵. حداقل یک بار در طول زندگی به حج مراجعه می کنند.

1. Anderson.Christian J. Navigating the Constraints of the Ummah: A Comparison of Christ Movements in Iran and Bangladesh. International Journal of Frontier Missiology 35:3 Fall 2018 . 117 p 118

لوئیس، تعریف گسترده ای از C5 یا جنبش درونی ارائه می دهد:

جنبش درونی، جنبشی است برای ایمان به مسیح که در آن دو مساله مورد توجه جدی قرار دارد.

(الف) انجیل از جوامع پیشین موجود و شبکه های اجتماعی جریان می یابد

(ب) خانواده های با ایمان و معتقد به عیسی مسیح و کلیسا، در داخل جوامع اجتماعی و مذهبی خود باقی می مانند در حالی که تحت سیاست عیسی مسیح و اقتدار کتاب مقدس می باشند.^۱

هیگینز یکی دیگر از میسیوولوژیست های مطرح در این باره می گوید:

تعداد رو به رشد از خانواده ها، افراد، یا شبکه های دوستی در حال تبدیل شدن به شاگردان وفادار عیسی هستند، در عین حال آنها فرهنگ خود را ادامه می دهند، همان طور که به کتاب مقدس وفادار هستند اما فرهنگ مذهبی سابق خود را نیز ادامه می دهند.^۲

به بیان دیگر می توان جنبش درونی را این گونه تعریف کرد: در مسیحیت میسیونری، جنبش درونی یک گروه یا شبکه ای از مردم از یک مذهب غیر مسیحیت است که خود را پیروان عیسی در نظر می گیرند؛ درحالی که فرهنگ اجتماعی و بومی آن منطقه را حفظ کرده اند.

به عنوان نمونه می توان اشاره کرد که بر اساس این مدل مسیحیان تلاش می کنند اصطلاح «مسلمان» را برای کسی که به عیسای مسیح ایمان بیاورد غصب کنند، زیرا این اصطلاح برای مسلمانان مقدس است.

1. rebecca Lewis, "Promoting Movements to Christ within Natural Communities," International Journal of Frontier Missions, 24:2 (Summer, 2007), pp. 75-76

2. Higgins Kevin "The Key to Insider Movements: The 'Devoted's' of Acts," , " International Journal of Frontier Missions. IJFM 21:4 (Winter 2004): pp. 155-165

چراکه شناسه اولیه مردمی است که به جامعه ایمانی ایشان تعلق دارند. بدیهی است مسلمانان هنگامی که به سرزمین های غیر مسلمان مهاجرت می کنند این اصطلاح را به معادل های محلی ترجمه نمی کنند، بلکه با حفظ اصطلاح مسلمان، اشاره می کنند که این واژه متعلق به جامعه دینی آنان است.

با این وجود سخت نیست که منطق فکری میسیونرهای مسیحی را در غصب این اصطلاح متوجه شویم. آنها این کار را بر اساس این ایده انجام می دهند که اصطلاح «مسلمان» به معنای تحت اللفظی به معنی کسی است که به خدا تسلیم شده است. با توجه به این تعریف گسترده، چه کسی می تواند «مسلمان» بهتری باشد از کسی که نجات خدا را از طریق مسیح قبول کرده است؟

علاوه بر این، طبق شریعت اسلامی، اگر یک مسلمان کافر شود ممکن است مرتد شناخته شود و طبق دستورات برخی از کشور های اسلامی مجازات اعدام در انتظارش باشد.

از این نقطه شروع، میسیونرها به طور گسترده ای این ایده را ترویج کرده اند که افراد بومی، نجات بخشی کتاب مقدس را بپذیرند و در عین حال، «مسلمان» باشند.

آنها از طریق ترویج هویت هایی نظیر «پیروان مسلمان عیسی»^۱ « پیروان مسلمان مسیحایی عیسی»^۲، « مسلمانان کتاب مقدسی »^۳ و «مسلمانان در مسیح»^۴ وارد مرز تجاوز به حدود شده اند. کوبین هیگینز، توجیهی برای حفظ اصطلاح مسلمان به معنای پرستش گر مسیح ارائه می دهد:

می توانم بگویم من یک مسلمان هستم، زیرا کلمه اسلام به معنی تسلیم است و مسلمان کسی است که خود را تسلیم می کند. بنابراین، می توانم به دیگران در جامعه مسلمان بگویم که من خود را اساساً به کلام خدا که در آن عیسی است، و کلام خدا در تورات، زبور و انجیل که قرآن هم تصدیق می کند، تسلیم کرده ام. در این مورد تجاوز به حدود صورت گرفته است چون امت اسلامی، عنوان «مسلمان» را به کسی اعطا می کند که به عصمت تمام کارها و گفته های پیامبر، باور داشته باشد. از آنجایی که محمد الوهیت، پسر بودن، مصلوب شدن و قیام عیسی را رد کرده است، اگر کسی به این موارد ایمان داشته باشد و خود را «مسلمان» بنامد، در واقع تجاوز به حدود کرده است.^۵

1 Massey Joshua, "God's Amazing Diversity in Drawing Muslims to Christ," International Journal of Frontier Missions 17, no. 1 (2000): 7.

2 Travis John, "Messianic Muslim Followers of Isa: A Closer Look at C5 Believers and Congregations," International Journal of Frontier Missions 17, no. 1 (2000): 53-59.

3 Rick Brown, "Biblical Muslims," International Journal of Frontier Missions 24, no. 2 (2007): 65-74.

4 Richard Jameson, "God's Creativity in Drawing Muslims to Jesus," in Understanding Insider Movements: Disciples of Jesus within Diverse Religious Communities, eds. Harley Talman and John Travis (Pasadena, CA: William Carey Library, 2015), 611.

5 Fred Farrokh. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE 1 / FEBRUARY 2018 pp 58-60

کشیش فرخ^۱ در نقد این مدل می نویسد:

میسپولوژیست هایی مانند کرافت، براون، گرینسون و هیگینز، اقداماتی را برای ترویج الهیات سازگار انجام داده اند. در حال حاضر بعضی آنها به عنوان «کریسلام» خوانده می شوند^۲. با این حال، مسلمانان به سوی آنها جذب نشده اند. در عوض، آنها هم چنان بر این باورند که عیسی فقط یک پیامبر است که الهیات اسلامی را ترویج می کند. خالدی به درستی یادآور تفاوت های قابل توجهی در ادبیات اسلامی شده است او می نویسد: «انجیل مسلمان (یعنی عبارات قرآنی و حدیث مربوط به عیسی): «عیسی همیشه به عنوان پیامبر مسلمان شناخته می شود و این در ذهن باید مستمر باشد، زیرا او بعد از همه، یک شکل در یک محیط اسلامی دارد»^۳.

به نظر می رسد که مدافعان الگوی جنبش درونی، از قبیل کوین هیگینز، هنک پرنگر، دیوید اوون و نویسنده ناشناسی که با جف هایز مکاتبه کرده، همگی «ترجمه های به سبک اسلامی» را گامی مهم و حیاتی برای راه اندازی جنبش می دانند که به نام های مختلف «پیروان عیسی در داخل اسلام»، «مسلمانان مسیحی»، «مسلمانان مسیحایی»، «جنبش عیسی» یا «مسلمانان کامل شده» شناخته می شود.

۱. فرد فرخ یک مسیحی مسلمان زاده است. فرد فرخ توسط سازمان مشارکتی ایلام به عنوان مبشر منصوب شد و در حال حاضر به عنوان یک آموزگار بین المللی با سازمان «ابتکار جهانی: دستیابی به مردم مسلمان» خدمت می کند. او دکترای بین فرهنگی از الهیات جماعت ربانی دارد.

Fred Farrokh. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE 1 / FEBRUARY 2018 p 55

2 Lingel Joshua, Jeff Morton and Bill Nikides, eds, 2012. Chrislam: How Missionaries are Promoting an Islamized Gospel. Lighthouse Pointe, FL: I2 Ministries Publishing.

3 Khalidi, Tarif. 2003. The Muslim Jesus: Sayings and Stories in Islamic Literature. Cambridge, MA: Harvard University Press.p44

مشهود است موافقان جنبش درونی ایمان دارند که مسیحیت، تحقق اسلام است؛ عقیده ای که به گفته می آدام اسپارکس از لحاظ الهیاتی غیر قابل دفاع است. زیرا تساوی ای بین مسلمانان مسیحایی و یهودیان مسیحایی، یا بین تحقق عهد عتیق در عهد جدید در مسیح، و تحقق اسلام در مسیحیت ایجاد می شود.^۱

بسیاری از مسیحیان جنبش درون را بر نمی تابند و آن را به نوعی تحریف عمدی مسیحیت توسط خود مسیحیان با هدف مسیحی سازی مسلمانان بر می شمردند.

ادوین کشیش آبنوس^۲ در نقد این جنبش می نویسد:

گسترش و نفوذ جنبش درونی در بین سازمان های بشارتی و کلیسای چنان افزایش یافته که موج آن به کلیسای ایران نیز رسیده است. موجی که تنها باعث خواهد شد تا خط آشکار ایمان و مرز حقیقت و دروغ کم رنگ گشته، تنها به شیطان فرصتی بخشد تا بذری ایمانی و ناراستی را، چون علف در مزرعه ایمان بکارد. در طی چند سال گذشته که به شکل مستقیم و غیرمستقیم با کلیسای ایرانی، خادمین و حتی سازمان های مسیحی غیر ایرانی در ارتباط قرار گرفتم، شاهد نجوای ضعیف این حرکت بوده ام. گروه هایی که دست بلندی در جامعه مسیحی - ایرانی داشته، ایدئولوژی خود را چه آشکارا و چه در لقای مذهب گونه ای، به کام کلیسای ایران نهاده اند.

بنظر من (آبنوس) ریشه انحراف این حرکت متعدد است. در کنار کژ فهمی های الهیاتی که شاید خاستگاه اساسی آن باشد، موضوع ارجحیت

¹ Ibid p 45

^۲ ادوین کشیش آبنوس پژوهشگر، نویسنده و معلم الهیات مسیحی می باشد. او همان طور مدیر برنامه های شبکه مسیحی محبت می باشد.

بخشیدن و افراشتن برنامه ها و استراتژی های بشارتی به قیمت نادیده انگاشتن خدانشناسی است که باید در وهله اول بر آن استوار می گشت. این جنبش خطری جدی برای کلیسا است. تهدیدی برای هویتی که مسیح بر آن نهاد.^۱

میسپولوژیست های مسیحی مبتنی بر متد C۵ مدل های مختلفی را برای مسیحی سازی مسلمانان ارائه کردند که در ادامه به بررسی برخی از آنها خواهیم پرداخت.

معرفی خطوط پادشاهی (IMP) نمایش پارادایم جنبش درونی یکی از مدل هایی که مبتنی بر جنبش درون برای مسیحی سازی مسلمانان طراحی شده است، مدل خطوط پادشاهی است. ترجمان این مدل آن است که شخص مسلمان می تواند به خداوند عیسی مسیح ایمان آورد و با حفظ هویت مسلمانی و در شرایط خوب باقی می ماند. IMP (پارادایم جنبش درونی)^۲ فرصتی را ارائه می دهد تا فرد مخاطب آن می تواند در ظاهر به گونه مسلمان باقی بماند.^۳

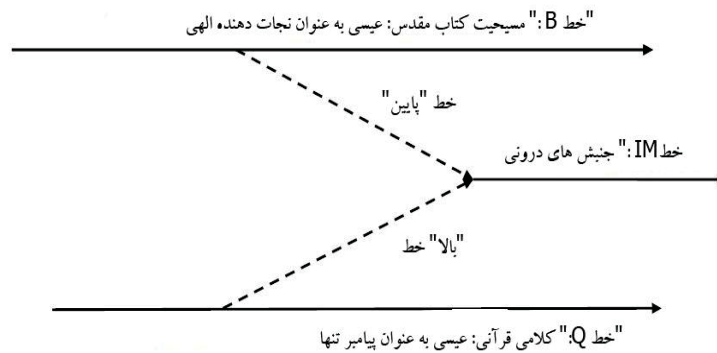
IMP در شکل زیر به نام «خطوط پادشاهی» به تصویر کشیده شده است؛ فرد فرخ معتقد است این مدل برای تبشیر بین مسلمانان پایه گذاری شده است.

1. <http://iranianctc.com/articles/%D8%AC%D9%86%D8%A8%D8%B4%D8%AF%D8%B1%D9%88%D9%86%DB%8C/> ۹۶/۱/۵ جنبش درون نوشته کشیش ادوین آبنوس

2. Insider Movement paradigm

3. Farrokh Fred. INDIGENOUS PERSPECTIVES ON MUSLIM IDENTITY AND INSIDER MOVEMENTS. Published in Global Missiology, January 2015 p 3

خط «B» نشان‌دهنده مسیحی‌شناسی کتاب مقدس است و خط «Q» مسیح‌شناسی قرآنی را نشان می‌دهد که عیسی فقط پیامبر فانی است. در این مدل می‌بایست مسیح‌شناسی قرآنی و مسیح‌شناسی کتاب مقدس هر یک به سمت دیگری متمایل شود تا سرانجام، خط میانی خط «IM» برسد، که نشان جنبش‌های درونی است. از لحاظ تاریخی، تلاش‌های میسیونری، به دنبال ارتقاء مسلمانان از خط Q به خط B بود و به همین دلیل نیز این تلاش‌ها ثمره زیادی نداشت.



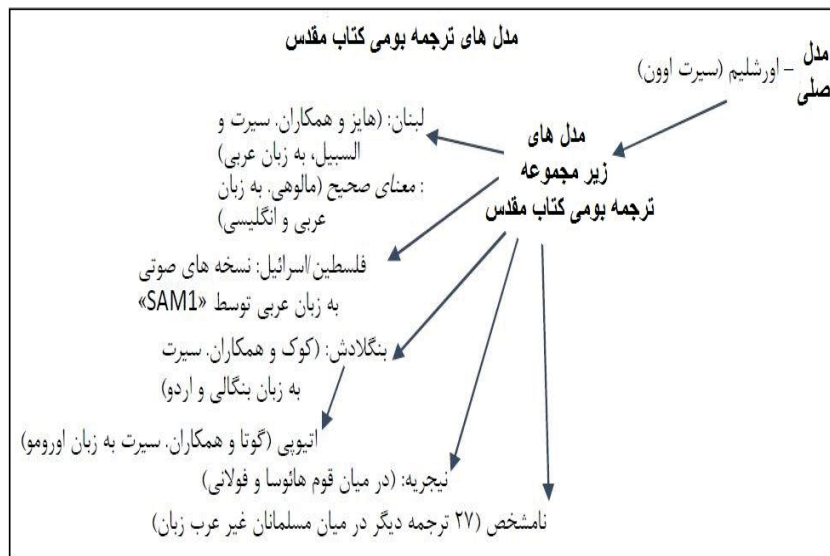
شکل ۱: نماد "خطوط پادشاهی" پارادایم جنبش درونی

اما در مدل خطوط پادشاهی یا IMP از طریق پارادایم ایجاد یک موقعیت ترکیبی جدید IM است. در این مدل مسلمانان مسیحی، تشویق می‌شوند که به نوعی تأیید برای محمد و قرآن نیاز دارد.^۱

1. Farrokh Fred. INDIGENOUS PERSPECTIVES ON MUSLIM IDENTITY AND INSIDER MOVEMENTS. Published in Global Missiology, January 2015 p 5-6

مدل تبشیری طلوع از دیوید اوون

یکی دیگر از مدل های تبشیری مبتنی بر جنبش درون مدل تبشیری طلوع است. این مدل مبتنی بر تغییر عمده در ترجمه کتاب مقدس برای همبافت مند سازی آن با فرهنگ های محلی است. این مدل منجر به این شده برای هر فرهنگ بومی یک کتاب مقدس متناسب و همسان با آن تولید شود. به همین خاطر کتاب دیوید اوون را ام الکتاب کتاب مقدس با ترجمه بومی می دانند. به ترجمه بومی کتاب مقدس به سبک اسلامی Muslim Idiom Translation (MIT) گویند.^۱



1. Span John. The 'Mother of the Books': A Case Study of the Consequences of a Seminal Muslim Idiom Translation. In JOURNAL OF GLOBAL CHRISTIANITY. VOLUME III . ISSUE I . 2017. P 26

دیوید اوون در سال ۱۹۸۷ با یک شاعر فلسطینی که پیشتر مسلمان بود به نام ادنان بیدون همکاری کرد تا (انجیلی را برای خوانندگان مسلمان آماده کند).^۱

اوون مطرح کرد: (ترجمه کتاب مقدس همبافت سازی شده برای جهان عرب مسلمان، در مرحله اول، مستلزم استفاده از واژگان الهیات اسلامی است که با عربی استاندارد امروزی همراه باشد.

هدف از آن، ارائه کتاب مقدس برای خوانندگان امروزی مسلمان عرب زبان است که از لحاظ پویایی هم‌تراز قرآن باشد.^۲ این اثر از سبک نثر مسجع و هم‌وزنی با قرآن تبعیت کرده است. وی این کتاب را این‌گونه معرفی می‌کند:

یکی از امیدهایمان این است که پروژه طلوع با استفاده از سبک عربی اسلامی، جنبش تازه‌ای از ترجمه کتاب مقدس را بر خواهد انگیزد که در آن اثر بخشی از کاربر کوشش‌های بخش پیشین بنا خواهند شد. به‌طور خلاصه، این اثر و دیگر پروژه‌های خاص ترجمه کتاب مقدس، بنیان جنبش مسیحایی در اسلام را نهاد. بدین‌گونه، این رویا را در سر داشت که این کمک بسزایی در پذیرش متون مسیحی در جهان اسلام خواهد کرد و موانع پذیرش انجیل را بر خواهد داشت.^۳

او حتی در نگارش این کتاب از سبک نوشتاری مسلمانان پیروی کرده و نظیر شروع هر فصل با بسم الله و ذکر آدرس آنها، استفاده کرده است.

1. Owen David, David Owen, "Project Sunrise Publication Report," (Larnaca, Cyprus: np 1987) p 7

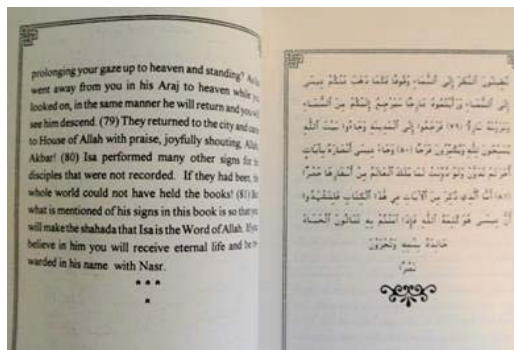
2. Owen David, David Owen, "Project Sunrise Publication Report," (Larnaca, Cyprus: np 1987) p 4

3. Span John. The 'Mother of the Books': A Case Study of the Consequences of a Seminal Muslim Idiom Translation. In JOURNAL OF GLOBAL CHRISTIANITY. VOLUME III . ISSUE I . 2017. Pp 26-29

وی برای تأثیر گذاری بیشتر عبارت مرتبط با خداوندی مسیح را به گونه ای ترجمه کرد که مسلمانان برداشت الوهیت از آن نداشته باشند. در سال ۱۹۹۲، انتشارات گلوبال اثر اوون را تحت عنوان «سیرت المسيح» زندگی مسیح به زبان عربی کلاسیک با ترجمه انگلیسی به چاپ رساند.

محقق مسلمان اهل آفریقای جنوبی به نام احمد دیدات در این باره به مسلمانان هشدار داد و اظهار کرد که کتاب اوون قصد دارد «با ظاهر فریبنده اسلامی، مسلمانان را فریب دهد.

اشلورف فتوایی بر علیه کتاب سیرت المسيح داد؛ چرا که سیرت تلاش کرده بود در سبک، واژگان و وزن از قرآن بی مانند تقلید کند. اشلورف هم چنین گزارش داد که آکادمی پژوهش اسلامی در مصر تقاضای حکم شرعی از شیخ دانشگاه بزرگ اسلام سنی، شیخ الازهر، کرد که سیرت را غیر شرعی اعلام کند و این گونه پروژه طلوع به انتهای خود رسید.^۱



1. Sam Schlorff, "The Translational Model for Mission in Resistant Muslim Society: A Critique and an Alternative," *Missiology* 28, no. 3 (Jl 2000), 311. Schlorff cites the Moroccan paper, *al-'Alam*, April 2, 1989. Also, see his *Missiological Methods*, (2006), 46

عواقب مدل دیوید اوون از نظر جان اسپان

جان اسپان می نویسد:

ایده هایی که دیوید اوون در تبشیر خود یاد گرفت، ثمره ی آن، سیرت المسیح بود. اگرچه به نظر رسید که غروب نا به هنگامی داشت، اما تعدادی از افراد دیگر که همان گرایش های فلسفی را داشتند، سیرت المسیح را دوباره زنده کردند. این افراد، همانند اوون، توسط کلیساها و سازمانهای مسیحی حمایت شدند که به آن پر و بال دادند و آن را از بنگلادش به اتیوپی، به نیجریه، به لبنان، پاکستان و دورتر پخش کردند. سرانجام، بالاترین دلیل در رد مفید بودن مدل سیرت المسیح این است که حرمت خدای تثلیث را پایین می آورد. حرمت خدای پدر را در نسخه دعای ربانی اش کم می کند. اعتراف شمعون پطرس در تمام جلال مسیح شناسی اش که «به راستی تویی مسیح، پسر خدای زنده» را با این ترجمه اشتباه جایگزین می کند که به راستی تویی کلمه ی زنده الله و نجات او ظاهر گشته است.» کتاب سیرت المسیح وانمود می کند که به روح القدس قادر مطلق که می تواند قلب های سنگین را به قلب های نرم تبدیل کند، کمک می کند و این کار را با «پیچاندن» کلام مسیحی انجام می دهد تا هیچ مسلمانی دلخور نشود. اما کتاب سیرت المسیح بر ضد تثلیث است.^۲

۱. اسپان نایب رئیس سابق مدرسه الهیات اسکندریه در قاهره ی مصر است و به مدت ۱۵ سال در زمینه های اسلامی زندگی و کار کرده است. او در حال حاضر دکتری خود را در دانشکده ژان کالوین در فرانسه در نقد مدل شتر در بشارت به مسلمانان می گذراند. او یکی از اعضای بنیان گذار ماموریت شناسی کتاب مقدسی است و مقالاتی را در زمینه های همبافت سازی، پادشاهی خدا و مأموریت ها، و ماموریت شناسی اصلاح شده و کاربرد در زمینه، منتشر کرده است. او در حال حاضر در جستجوی این است که چگونه مطالعات موردی ماموریت می تواند برای آموزش مورد استفاده قرار گیرد. ibid. Pp 26

2. Ibid p 47

مدل شتر کوین گریسون

کوین گریسون،^۱ یک کتاب در باره مدل تبشیر مسلمانان به مسیحیت تدوین نمود و نام آن را **the camel** نام نهاد.

مدل شتر، یک مدل جزئی، مصداقی و تبشیری از هم‌بافت مند سازی بر اساس جنبش درونی است که سعی دارد از پل زنی بین قرآن و انجیل تبشیر جنبش درونی کند.

دکتر جری رنکین رئیس هیأت بین المللی میسیون **SBC** در مورد مدل شتر می گوید: «تاریخ در انتظار یک پل به جهان مسلمان است. مدل شتر به نظر می رسد این پل است».

مایکل مشاور متقابل فرهنگی لیلبورن، جورجیا در این مورد می گوید:

واقعا کتاب شما شخصا من را به چالش کشید! این مفهوم قدرتمند وای، پیامدهای این بیانیه دنیای من را تبدیل به هیجان می کند... و من در مورد آن بسیار هیجان زده هستم! با تشکر برای تأثیر.

دکتر مایک هملت پاستور، درباره این کتاب می گوید:

من فقط از روش شتر برای شهادت دادن برای مسلمانان در مسجد استفاده کردم (اشاره به جنبش درون دارد) اما این شگفت انگیز است! من معتقدم که هر کشیش در آمریکا باید روش شتر بداند و استفاده از آن برای رسیدن به مسلمانان!^۲

۱. یک میسیونر با سابقه است. مربی کاشت کلیسا و مربی هیأت مأموریت بین المللی کنفدراسیون باپتیست جنوبی است. کوین با خانواده اش در جنوب آسیا زندگی می کند

2. Greeson Kevin THE CAMEL in THE CAMEL How Muslims Are Coming to Faith in Christ Revised Edition. Wigtake Resources LLC; Revised Edition edition. January 1, 2010

رسیدن به بهشت را به مسلمانان نشان دهد رد کرد در واقع به هر پیامبری، دانش و حکمت عطا شده تا راه رسیدن به بهشت را به مردم نشان دهد به هر پیامبری»^۱.

یوسف دره حداد^۲ یکی از مبشرین مسیحی است که مبتنی بر این روش کتابی با عنوان «قران دعوتی به سوی مسیح است» را تدوین کرده است وی در این باره می نویسد:

مطابق برخی آیات قرآن، خداوند به آن حضرت با اینکه «ابن مریم» است، دو لقب «کلمة الله و روح الله» داده است که احدی از جهانیان و حتی بزرگترین پیامبران الهی (ابراهیم و موسی و پیامبر اسلام) را با چنین القابی توصیف نکرده است^۳. مسیحیان بر آنند که عیسی بن مریم، از آن رو که انسانی است زاده مریم، بنده است، نه خدا؛ و از آن رو که کلمة الهی است، مقام الوهیت دارد^۴.

وی هم چنین می گوید:

قرآن، مسیح را «روح منه» دانسته که بیانگر این است که او با اینکه عید و بنده خداست، ولی برتر از جنس بشر است و از جهانی غیر از جهان مادی است، به گونه ای که موجودی بیشتر آسمانی است تا

1. Mike Moore, "My Interview with an Imam," Baptist Theologue (blog), December 31, 2007, accessed October 25, 2016, <http://baptisttheologue.blogspot.ca/2007/12/my-interview-with-imam-i-served-as-imb.html>.

۲ ارشمیتدریت یوسف دُرّه حدّاد (۱۹۱۳-۱۹۷۹) نویسنده و کشیش مسیحی معاصر است که در سال ۱۹۳۹ میلادی رتبه کشیشی خود را از کلیسای لبنان گرفت. آثاری زیادی از وی به رشته تحریر در آمده است. شاید پرچم ترین کار تحقیقی که از سوی غیرمسلمانان برای انکار وحیانی بودن قرآن و اثبات اقتباس آن از تورات و انجیل صورت گرفته است، از سوی وی باشد.

۳ دره حداد، یوسف، القرآن دعوة نصرانية، ص ۷۲۷-۷۲۹/همو، مدخل الی الحوار الاسلامی المسيحی، ص ۱۶۹-۱۷۱.

۴ شریعتمداری، حمیدرضا، درآمدی بر گفت وگوی اسلام و مسیحیت، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۴.

زمینی؛ و به همین دلیل است که پس از مسئله توحید، دعوت به مسیح و انجیل دومین موضوعی است که محور دعوت قرآنی قرار گرفته است.^۱

سر انجام روش شتر از نظر کشیش فرد فرخ

استفاده از روش شتر در حقیقت، مصادره به مطلوب کردن قرآن به نفع الهیات مسیحی با مغالطه است فرد فرخ می نویسد:

روش کلی پل زدن به انجیل از متون قرآنی، سرانجام محکوم به نابودی است. هدف نهایی بشارت در میان مسلمانان، این است که به آنها کمک کند تا خدایی را که در شخص عیسی به روی زمین آمد بپذیرند. قرآن این روایت را رد می کند.

فرد فرخ می نویسد:

یک روحانی فلسطینی که در آمریکا زندگی می کند و برای پروژه دکترایم در سال ۲۰۱۳ با او مصاحبه کردم با محکمی به این پرسش پاسخ داد که آیا قرآن جایی برای الوهیت عیسی روا می دارد: «مطلقاً هیچ آیه ای این چنینی وجود ندارد. شما هرگز یک دانشمند مسلمان نخواهید یافت که معتقد باشد در قرآن چیزی یافت شود که از الوهیت عیسی پشتیبانی کند». این محقق اسلامی احساس کرد که چنین چیزی باعث تجاوز به حدود است. و در نتیجه، هر پتانسیلی که در پل زنی متنی قرآن در بشارت به مسلمانان مشاهده شود، بار مسئولیت سنگینی به همراه خواهد داشت. این گونه تلاشها باعث تجاوز به حدود می شود، که اساساً از طریق گرفتن متون مقدس اسلامی و تحمیل کردن تفاسیری

۱. دره حداد، یوسف، القرآن دعوة نصرانیة، ص ۲۲۷-۲۲۹ / دره حداد، یوسف، مدخل الی الحوار الاسلامی المسیحی، ص ۱۶۹-۱۷۱.

روی آنها به نوعی که پیام کلی قرآن را فرو می پاشد صورت می گیرد. علاوه بر این مسلمانان طبیعتاً فکر می کنند شخصی که پل می زند، به اعتبار قرآن استناد می کند، قرآنی که آن اعتبار را ندارد.^۱

کشیش فرد فرخ معتقد است :

تفسیر گریسون از این آیات قرآن به دو دلیل اصلی مردود است. اولاً، گریسون آیه ها را به گونه ای باز تفسیر می کند که متناقض یا مؤلفه توحید است، یعنی متناقض با پیام اساسی قرآن توحید بیان می کند که الله یک وحدت مطلق و تقسیم ناپذیر است، که نه به دنیا می آورد و نه به دنیا می آید (به عنوان مثال، آیات^۲ ۱۱۲: ۱-۳). دوم این که، گریسون تفسیر خود را در آیه^۳ ۳: ۵۵ قطع می کند، یعنی در جایی که آیات بعدی به جدل علیه پسر بودن و الوهیت عیسی می پردازد (۵۹: ۳) و لعنت به کسانی که این باورها را دارند (۶۱: ۳).^۵ روش شتر روشی است که قسمتی از قرآن را از زمینه اش خارج می کند و از روش تفسیری استفاده می کند که در حقیقت، دیدگاه پل زنی متن قرآنی، پیام آوران مسیحی را به دام خود می کشد چرا که مسلمانان از دوران کودکی آموخته اند کتاب مقدس تحریف شده است بنابراین غیر قابل اعتماد است. این آموزه تحریف است.^۶

1. Farrokh Fred. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE I / FEBRUARY 2018 p 57

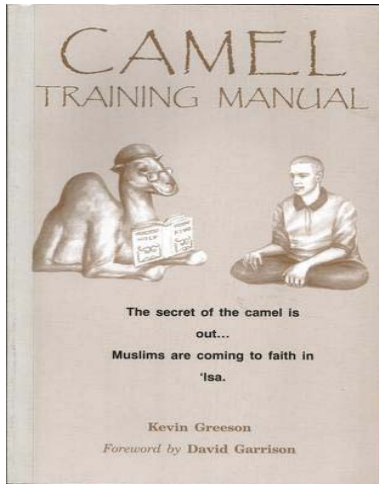
۲ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

۳. «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ وَرَافِعَكَ إِلَىٰ مَوْجِعِ مَرْجِعِكُمْ فَأَخَذُكُمْ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ».

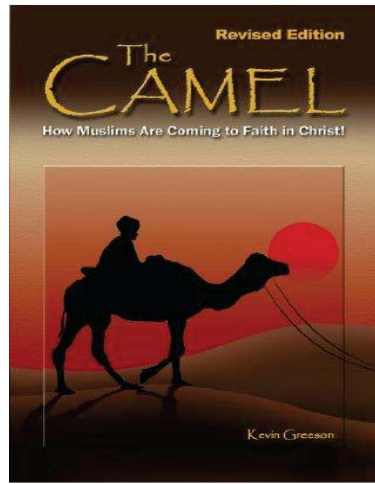
۴. «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

۵. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْهَلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».

6. ibid p 55-56



دل محمد پیامبر کتاب مقدس از هارلی تالمن



کتابهای مدل شتر از کوین گریسون

یکی دیگر از مدل های تبشیر مسیحیت مدل محمد پیامبر کتاب مقدس است این مدل توسط هارلی تالمن طراحی شده است مدل تالمن یک مدل جزئی و مصداقی در باب جنبش درونی در بین مسلمانان است. موضوع آن رسالت حضرت محمد ﷺ است. تالمن در مقاله ، «آیا محمد نیز در میان پیامبران است؟»¹ به دنبال ایجاد یک پیوستگی است که بتواند محمد را به نوعی در بین پیامبران کتاب مقدس قرار دهد. او می نویسد:

ما به عنوان مسیحی، قرآن را به کلی مصون از خطا و فردی مقتدر محسوب نمی کنیم، اما لزومی ندارد احتمال این که خدا محمد را فراخوانده و به عنوان یک نبی استفاده کند غیر ممکن بدانیم مثل شائول در عهد عتیق یا انبیای کاریزماتیک در عصر حاضر. تأیید خاتمیت محمد به عنوان پایه و اساس اسلام است. برای این که

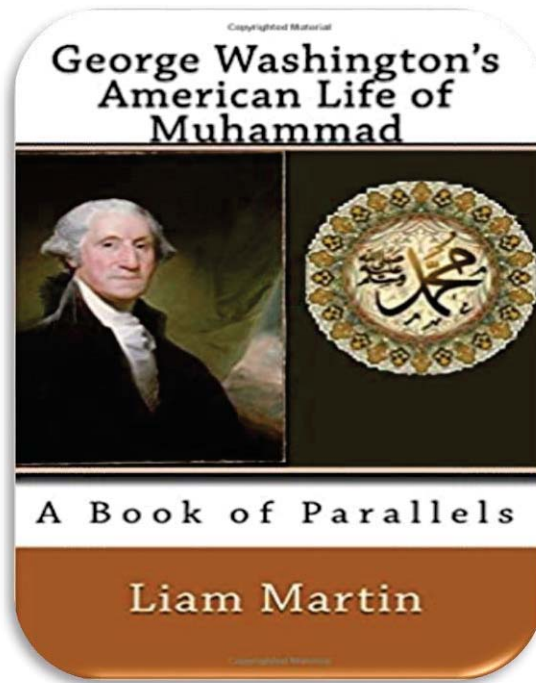
1. Talman Harley. Is Muhammad Also Among the Prophets?. International Journal of Frontier Missiology. 31no 4 (2014)

شخصی مسلمان شود باید شهادتین را اعلام کند: «هیچ خدایی نیست جز الله، و محمد رسول الله است». این کافی نیست که اعلام شود: «هیچ خدایی نیست جز الله و محمد پیامبری است که ۷۵٪ از مواقع حق بود.» هم چنین هیچ روحانی مسلمانی نیز این اعتراف را نمی پذیرد که «هیچ خدایی جز الله نیست، و محمد پیامبری است هم رتبه پیامبران کتاب مقدسی مثل شائول»^۱.

در این مدل تالمن تلاش می کند جایگاه حضرت محمد را در بین مسلمانان پایین و خاتمیت او را از بین ببرد. این مدل گام به گام بوده و بعد از خاتمیت جایگاه محمد در نبوت الهی از بین می رود. در گام بعدی پیامبر اسلام را یک رهبر اجتماعی نه الهی مثل جرج واشنگتن معرفی کند؛ اما رهبری کوچک که ممکن است مطالب اشتباهی هم بیان کرده باشد، ولی در عین حال دارای شأن رهبری در راستای تثبیت مسیحایی عیسی باشد. با این روش دیگر با مقاومت مسلمانانی مبنی بر جایگاه پیامبر اسلام روبرو نمی شود و می توانند مسلمانان را ضمن حفظ ظاهری ایمان به پیامبر اسلام به عنوان یک رهبر اجتماعی تشویق به ایمان به مسیح به عنوان خداوند نمایند.

1. ibid p 185-186

نقد مدل محمد پیامبر کتاب مقدسی از نظر کشیش فرد فرخ



اما مدل تالمن منتقدان زیادی بین سنت کلیسایی پیدا کرد کشیش فرد فرخ می نویسد:

تالمن تجاوز به حدود می کند. تالمن سعی می کند محمد را به گونه ای دیگر تفسیر کند، ولی این توصیف نیز در متون اسلامی غیر قابل قبول است. این که مسلمانان محمد را تنها به عنوان پیامبری راستین بدانند که بیشتر تعالیم ایشان درست است اما تعالیم اشتباهی نیز داشته است، با آموزه های اسلامی نظیر خاتمیت و معصوم بودن محمد مخالف است. غزالی توضیح می دهد در شریعت اسلام هر کسی که معتقد است محمد خطا کرده کافر است. کفر یعنی پنداشتن این که هر آن چه پیامبر محمد آورده اشتباه است. و ایمان یعنی پنداشتن این که تمام آن چه که او آورده درست است. بنابراین، یهودیان و مسیحیان کافر هستند، زیرا آنها منکر صداقت پیامبر هستند. می توان دریافت که تالمن چطور می توانست امیدوار باشد که احتمال حقیقی بودن نبوت پیامبر اسلام به عنوان یک نبی را حفظ کند. اما به نظر می رسد تالمن نادیده می گیرد

که حضرت محمد با بحثی که در مورد تثلیث (سوره ۴: ۱۷۱)^۱، و الوهیت مسیح سوره (۵: ۷۲، ۵: ۱۱۶)^۲ و مصلوب شدن او (سوره ۴: ۱۵۷-۱۵۸)^۳، عیسای کتاب مقدسی را رد می کند. کوین هیگینز به تالمن ملحق می شود با اظهار این که محمد می تواند به نوعی پیامبر کتاب مقدسی باشد وی بیان می کند: «محمد به مانند یک پیامبر عهد عتیق، یا به مانند یک رهبر عهد جدید دارای عطایا نبوتی (کارزماتیک) باشد». تالمن و هیگینز شاید احساس کنند که با دادن مقام پیامبر کتاب مقدسی پایین رده به محمد، در حال باز کردن درب انجیل به روی مسلمانان هستند؛ اما مسلمانان در طول تاریخ خود، غیر مسلمانان را دعوت کرده اند تا محمد را به عنوان پیامبری معصوم بپذیرند. هرچیزی کمتر مشمول کفر می شود. مسلمانان هرگز موضع یک نبی میانه رو را برای محمد روا نداشته اند، با این حال، تالمن و هیگینز به دنبال ایجاد چنین زمینه هایی بودند. این موجب تجاوز به حدود می شود.^۴

۱. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا».
۲. «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ».
۳. «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا».

4. Fred Farrokh, Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE 1 / FEBRUARY 2018 pp 55-57

مدل تغییر کیش آلن تیپت

تیپت حدود بیست سال در فیجی مأموریت تبشیری داشت و مدل خود را بر اساس تجربیاتش ارائه داد. برای تیپت تغییرات فرهنگی و دینی که نتیجه تعامل میسیونرها و مردم بومی بود جذابیت داشت.

مدل تیپت نشان می دهد که تغییر کیش در یک نقطه خاص، در زمان خاص، اتفاق نمی افتد بلکه فرایندی است که شامل مراحل و لحظات و رویدادهای کلیدی است. در مرحله اول «مرحله آگاهی»^۱ افراد فراوانی بر اثر فعالیت مبشیرین و مواجهه با مسیحیان نسبت به شیوه دیگری از زندگی آگاهی پیدا می کنند.

با افزایش فهم افراد از مسیحیت، مرحله فهم^۲ کلید می خورد. در این مرحله می فهمند که این روش جدید فقط یک نظریه نیست و می تواند امکانی برای آنان باشد. این به دوره تصمیم گیری^۳ ختم می شود. این مرحله هفته ها، ماه ها و حتی سال ها طول می کشد.

این مرحله می تواند به رد، قبول یا تعدیل آن (همادینی یا کلیسای بومی) یا شکاف منجر شود که بخشی از مخاطبین آن را می پذیرد و بخشی رد می کند. تیپت متوجه شد که مرحله تصمیم گیری به مواجهه^۴ ختم می شود که عمل قابل مشاهده انتقال به تبعیت از مسیح را نشان می دهد.

باید لحظه ای روان شناختی یا تجربه ای وجود داشته باشد که فرد واقعا از خدا یا خدایان قدیمی روی گردان شده و به خدای دیگری گرایش پیدا می کند. یعنی رد یکی و پذیرش دیگری. نقطه مواجهه رد راه قدیمی و پذیرش راه جدید در عین واحد است.

از نقطه نظر تیپت، این جدایی از قدرت دینی قبل، باید روشن و برای عموم اعلام شود در غیر این صورت فرد ثبات ندارد و به سمت الحاد جدید گرایش پیدا می کند. او معتقد است بیرون آمدن از یک چیز کافی نیست باید وارد چیز دیگری شوند و در خلاء نمانند.

در این مرحله از طریق اجتماعی شدن، آموزش و مناسک مختلف هنجارهای جدید، آموزش داده می شود. او تعمید را برای پیوستن و تأیید تغییر کیش ضروری می داند.

عمل پیوستن، یک رویداد فوق العاده احساسی و معنوی رضایت بخش است که نوعی حس تعلق را به افراد و حس هویت و رضایت به گروه می دهد. ابتدا در این مرحله مدل، متوقف شد اما مواردی در برخی مکان های دیگر مثل برخی جزایر غنا مشاهده شد که ابتدا به کلیسا پیوستند و بعدها برگشته و دینی انحرافی ایجاد کردند.

بنابراین او نکته سومی به مدلس اضافه کرد که مرحله چهارم بود: مرحله نهایی، که کار دقیق روح القدس است و تجربه خدا که فرد را قادر می کند وارد مرحله بلوغ شده و تغییر کرده و در لطف خدا رشد کند.

هویت فرد را می توان خودپنداشت او دانست؛ پنداشت او از این که کیست و به چه جامعه ای تعلق دارد. در واقع هویت تعامل، مفهوم ایده آل فرد از خودش و انتظار گروهی که به آن تعلق دارد است.

در جوامع اشتراکی مثل مسلمانان و هندوها این فرایند بیشتر تحت تأثیر خانواده و جامعه است، نه خواسته های فرد. ایمانداران معمولاً اولین هایی هستند که در خانواده به مسیح گرایش پیدا کرده اند و بنابراین از حمایت گروهی از مردم با فرهنگ مشابه برای شکل دادن هویت شان محروم هستند.

چالش دوم عدم نگاه مثبت ایمانداران به کلیسا است. مسیحی شدن هم به دلایل متفاوت فرهنگی و اجتماعی و هم تفاوت های الهیاتی دشوار است. . در بسیاری از نقاط دنیا مسیحیت را غربی می دانند و نگاه خوبی به آن ندارند و آن را منشاء بی اخلاقی ها، سوء استفاده و ... می دانند که نتیجه دوره استعمار است. کلیساها به واسطه اجرای مراسم هایی متفاوت از فرهنگ آنان چندان مورد اقبال قرار نمی گیرد. از سوی دیگر جامعه مسیحی به نوکیشان با تردید می نگرد چرا که ممکن است جاسوس باشند یا برای مقاصد دنیایی ایمان آورده باشند. چالش سوم این است که هویت ملی و قومی افراد در هویت دینی ذوب می شود. افراد به نوکیشان به چشم فردی که هویت ملی اش را کنار گذاشته نگاه می کنند. ایمانداران با پیشینه مسلمان و هندو در مواجهه با این چالش سه راه دارند: ۱. ترک جامعه مسلمان یا هندو و سرکوب کردن هویت مسلمان یا هندوی خود، ۲. قطع ارتباط با جامعه مسیحی و سرکوب کردن هویت مسیحی ۳. آمیختن دو هویت و حفظ جنبه هایی از هر دو.

برگزیدن هر کدام از اینها با دشواری هایی مواجه است، فرد خود را به هر دو جامعه متعلق می داند؛ اما در عین حال می داند برای هر دو جامعه خارجی قلمداد می شود.

نمونه‌هایی از نوکیشان، ابراز کردند که در ابتدای تغییر کیش سعی کرده‌اند کاملاً از پیشینه قبلی خود جدا شده و شیوه زندگی و عبادی جدیدی برگزینند و در واقع از سنت قبلی کاملاً قطع ارتباط کرده‌اند؛ اما مدتی بعد احساس کرده‌اند به میراث فرهنگی و مردم خود خیانت کرده‌اند و نهایتاً در مذاکره هویتی که تجربه کرده‌اند هویتی برگزیده‌اند که خود را به لحاظ فرهنگی هندو یا مسلمان می‌دانند و به لحاظ معنوی پیرو مسیح هستند. در این صورت افراد ارتباط خود را با خانواده و جامعه خود حفظ می‌کنند. مزیت این روش این است که فرد فرصت پیدا می‌کند ایمان خود را با خانواده و دوستانش به اشتراک بگذارد و افراد دیگری را جذب کند. یعنی جنبش درون که در آن هویت مسلمان و هندو فرد حفظ می‌شود در حالی که تحت فرمانروایی عیسی مسیح هستند.^۱

بررسی مدل‌های تبشیری طیف C در ایران

مبشران مسیحی در ایران از مدل‌های مختلف تغییر دین بهره می‌برند که یکی از آنها جنبش درون است. جنبش دورنی یک مدل افراطی است که مخالفان بسیاری دارد. با توجه به این که این مدل زمینه ساز تغییر کیش نیست و فقط برای تضعیف هویت ایرانی و اسلامی است، صاحب نظران مسیحی زیادی مخالف این مدل هستند. از طرف دیگر این مدل در ایران اجرا شده است. توصیه‌های برای پیش برد این مدل در ایران دارند.

1. Hibbert Richard Y. Negotiating identity: Extending and applying Alan Tippett's model of conversion to believers from Muslim and Hindu backgrounds. *Missiology: An International Review* 2015, Vol. 43(1) 59-72

ایمان ابراهیم در کتاب «تبدیل مسلمانان به مسیحیت: نقدی بر جنبش درونی در متن های اسلامی» در مورد ایران می نویسد:

یکی از پیشنهادات مهم جنبش درونی است. مسلمانی که عیسی مسیحی را پذیرفته است در مسجد باقی بماند و به زندگی عادی خود ادامه می دهد.

اما خوشبختانه، برای اکثر مسلمانان شیعه ایران، این مدل تاثیر گذار نیست. تقریباً چهل سال پیش، دین و حکومت در ایران یکسان شد. بیشتر ایرانیان از دین پدر خسته شده اند. مساجد موجود در ایران خالی است. مردم از هر تعطیلات مذهبی به عنوان بهانه ای برای مسافرت استفاده می کنند. با این حال، مانند سایر کشورهای خاورمیانه، روح پلیدی و باطل در فرهنگ ایران عمیق شده است. با توجه به این، عملی که IM تشویق می کند، برای رفتن به مسجد و انجام اعمال نمازهای آیین اسلامی ضمن دعا کردن بی سر و صدا به عیسی مسیح به زبان مادری، آموزش فریب و دورویی در یک زمان محوری در زندگی یک مؤمن جدید است. برای این که مسیحیان حقیقت انجیل را به چنین گروه های مردم مسلمان برسانند و آنها را ترغیب کنند که در آیین ها و آئین های پدران خود بمانند، این است که در پایه و اساس ایمان جدید خود، تحریک ناهنجاری شکل گیرد.

این نه تنها مضر و مانع از رشد معنوی یک فرد است بلکه می تواند رشد کلیسای واقعی مسیح در کشورهای اسلامی را نیز ویران کند. تشویق مسلمانان به ماندن در مسجد باعث رشد مسیحیت در جامعه نمی شود.

هنگامی که مؤمن می میرد، ایمان او نیز می میرد. او قادر به انتقال مسیح به نسل بعدی نیست.^۱

کریستین جی اندرسون از تیم رهبری کوتاه مدت آسیا جنوبی و محقق پژوهشگر جنبش درون در یک بررسی میدانی در سال ۲۰۰۷ از تحلیل ۵۸۰۰ مصاحبه در دنیای مسلمانان، به دسته بندی گرایش به مسیحیت در جدول زیر پرداخته است.

C۳	C۴	C۵	C۶ (ایمان داران محرمانه)
(۲۸٪)	(۳۷٪)	(۲۱٪)	(۸٪)

چرا طیف متفاوتی از C ها در جاهای مختلف شاهدیم؟ نویسندگان با هشدار امکان تأثیر خودِ میسیونرها بر نوع گرایش نوکیشان، به مجموعه ای از فاکتورهای زمینه ای اشاره می کنند. این فاکتورها از این قرارند:

۱- فاکتورهای سیاسی (چگونگی اجرای احکام اسلامی نسبت به نوکیشان)

۲- فاکتورهای اجتماعی (در خانواده و اطراف که فشار گروهی اعمال می شود)

۳- فاکتورهای دینی، فرهنگی و جمعیت شناختی (شامل تاریخ روابط مسلمانان- مسیحیان و قدرت هویت های قومی و دینی)

۴- فاکتورهای فردی (مربوط به تجربه اسلام در سطح فردی)

1. Ibrahim Ayman S AND Greenham Ant. Muslim Conversions to Christ A Critique of Insider Movements in Islamic Contexts. New York: Peter Lang, 2018. P445

اندرسون در مورد دلایل فاکتورهای طیف C در ایران می نویسد:

در سطح جمعی / حکومتی ایران با قوانین شدید سعی دارد افراد را در امت اسلامی حفظ کند و برای اینکار هرگونه دین جایگزین را سرکوب می کند. افراد اجازه ارتباط با کلیساهای رسمی را ندارند و بنابراین هویت دینی و قانونی ندارند. خود کلیساهای رسمی هم اجازه برگزاری مراسم به زبان فارسی را ندارند. نوکیشان با موانع بروکراتیک برای ادامه تحصیل و استخدام مواجه می شوند. بنابراین تهدید حکومتی مهم ترین چالش و مانعی است که جنبش های شاگردسازی باید خود را با آن تطبیق دهند.

فشار برای هم نوایی با امت از خانواده یا رهبرمسجد نیست، بلکه از حکومت بالادست می آید که منجر به پویایی پنهانی و کیشی می شود. با این حال، عنصر دیگری وجود دارد که می تواند این ستون های دولتی امت را در ایران تضعیف کند: احساس جمعی هویت ایرانی که به شدت به عنوان رقیب اسلام به عنوان نیروی متحد کننده عمل می کند. به گفته هارولد رود این دو هویت رقیب، در وفاداری قومی - فرهنگی با هم رقابت می کنند. تمدن ایرانی که قدمتی طولانی سالها پیش از غلبه اسلام دارد؛ زبان، تاریخ و ادبیات ایرانی مایه مباهات ایرانیان است حتی اگر با اسلام در تقابل باشد. ایماندارانی که سابقا مسلمان بوده اند و میلر از آنان نام می برد کاملا آمادگی دارند به هویت جمعی ایرانی متصل شوند. کاملا قابل تصور است که حکومت ایران در آینده برای وحدت اجتماعی به جای امت به قومیت ایرانی متوسل شود.

سطح هویت اسلامی در شبکه مسجد و خانواده در ایران به نسبت کم است و تنها ۲۷ درصد ایرانیان هفته ای یک بار به مسجد می روند. تأثیر علمای شیعه از سمت حکومت کاهش یافته. ارتباط ضعیف بین خانواده ها و نیروهای مسجدی یکی از دلایل رشد مؤثر شاگردسازی

از طریق خانواده ها و شبکه های فAMILI است.

گرچه روابط خانوادگی در ایران قوی است، اما رابطه خانواده ها با مساجد ضعیف است و این امر به گروههای مسیحی کمک می کند به سرعت افراد را سمت مسیحیت هدایت کنند. گرایش استبدادی جمهوری اسلامی نوعی سرخوردگی نسبت به خود اسلام در میان افراد ایجاد کرده است. تمایل نوکیشان به کنار گذاشتن تمام اشکال عبادتی اسلام به ویژه وقتی نظارت حکومتی نیست، حاکی از این است که اعضای کلیسای خانگی چندان به الگوهای امت اسلامی برای تقرب الهی پایبند نیستند. به همین ترتیب وقتی ایرانیان در اروپا زندگی جدیدی را شروع می کنند به سرعت از اسلام بریده و به مسیحیت گرایش پیدا می کنند چه این گرایش واقعی باشد چه برای بالا بردن شانس پذیرش پناهندگی.^۱

مدل هویت یکپارچه در مسیح نظر دکتر فرد فرخ

فرد فرخ مخالف جنبش درونی است. او در مقابل مدل‌های تجاوز به حدود در جنبش دورنی، مدل هویت یکپارچه در مسیح را پیشنهاد می دهد. او نظر دارد مدل های تجاوز به حدود باعث دو هویتی شدن افراد می شود. یعنی با اعتقاد به مسیح و کلیسا، در مسجد نماز می خواند. فرخ در مقابل جنبش درونی مدل تک هویتی یعنی فقط معتقد به مسیح کلیسایی را در تبشیر مسیحیت موفق می داند.

1. Anderson Christian J. Navigating the Constraints of the Ummah: A Comparison of Christ Movements in Iran and Bangladesh. International Journal of Frontier Missiology. 35:3 Fall 2018•117.p 188-125

فرد فرخ در این باره می نویسد:

موضوع هویت، شاید بحرانی ترین موضوع در این برهه از تاریخ باشد. ریشه این چالش در طبیعت دافع اسلام نسبت به آنانی است که عیسی مسیح را به عنوان خداوند می پذیرند. برخی از میسیونرهای مسیحیت پیشنهاد داده اند که حفظ دائمی هویت ظاهری مسلمانی بهترین راه است. من (فرخ) اظهار می کنم که این کار تنها می تواند منجر به دوگانگی دائمی هویت شود. الگوی جنبش درونی با جایگاه حفظ گرایی هویتش، نمی تواند سلامت روحانی بلندمدت آنانی که از زمینه مسلمانی به خداوند عیسی ایمان آورده اند را ارتقا دهد، چرا که جزء کلیدی برای حفظ هویت مسلمانی، تصدیق کردن محمد است، همان کسی که عیسی کتاب مقدسی را رد کرده است. مخصوصاً این که محمد این روایت را رد کرد که خدا در شکل عیسی به زمین آمد، همان عیسیایی که به خاطر انسانهای گناهکار بر صلیب مرد. در عوض، محمد پرستش مسیح را ممنوع کرد و عیسی را تبدیل کرد به کسی که نوید دهنده شخص خود محمد است (سوره ۶:۶۱).

من (فرخ) موافقم که اصطلاح «پیرو مسیح بودن»، یک توصیف گر معتبر کتاب مقدسی است؛ برای مثال، عیسی در متی گفت، «مرا پیروی کن» (متی ۹:۹ و متی ۲۲:۸). با این وجود، این توصیف گر پیرو مسیح در زمینه های مسلمانی پایین تر از حد مطلوب است

و آن چنان که باید، نیست. در اسلام، این اعتقاد است که تمامی پیامبران پیام مشابه توحید و بت شکنی را آورده اند. مسلمانان اعتقاد دارند که عیسی، به عنوان یک پیامبر فانی در اسلام، همان پیام اصیلی را آورد که محمد آورده است. از این جهت، تمام مسلمانان سنتی، در عمل، خودشان را پیرو عیسی به حساب می آورند، حتی اگر از این توصیف گر استفاده نکنند. یعنی این که، آنها پیام اساسی قرآن را که توسط

پیامبران فانی از جمله عیسی وعظ شد را پیروی می کنند. وقتی که اصطلاحی شبیه به «مسلمان پیرو عیسی» در جوامع مسلمان بکار برده می شود، مسلمانان این طور فکر می کنند که شخص یا گروهی که این اصطلاح توصیف گر را بکار می گیرد، از عیسای اسلامی پیروی می کند. این عیسای اسلامی فقط یک پیامبر است؛ او خدا نیست؛ و بر صلیب هم نمرد. هرچند که نوایمانان ممکن است باطناً هم رای باشند که عیسای کتاب مقدسی را پیروی می کنند. باز هم، نتیجه کار، دورویی و دوگانگی دائمی هویت است.^۱

فرد فرخ در این زمینه می گوید:

به جای جنبش درونی، مدل هویت یکپارچه در مسیح را پیشنهاد می دهم که در آن هویت گروهی و اجتماعی از محمد و مسجد، به ترتیب به مسیح و بدن مسیح، در یک حالت همگرا و ماندگار تغییر مکان می کند. ایمانداران در مسیح که از پیش زمینه مسلمانان هستند، خودشان این الگوی هویت را در بسیاری از زمینه های محلی دارند تبدیل به واقعیت می کنند. و برنامه زمانی پیاده سازی هویت یکپارچه در مسیح شاید در حال حاضر عالی باشد چرا که جلوه کنونی اسلام جهادی (خشونت) دارد موجب می شود که بسیاری از مسلمانان در کل به فکر ترک اسلام باشند.^۲

مدل پل زنی مفهومی از فرد فرخ

این یک مدل جزئی و مصداقی زیر مجموعه مدل کلی هویت یکپارچه در مسیحی است. فرخ در این مدل سعی کرده است برخلاف جنبش درونی که مدل فرینده و غیر اخلاقی است در مدلس اخلاق را

1. Ibid pp26-27

2. Ibid 32

رعایت کند و تجاوز به حدود اسلامی نکند و آن را یک همبافت مند سازی سالم معرفی می کند.

فرخ مدل «پل زنی مفهومی» را به عنوان یک جایگزین با مدل «پل زنی متنی قرآنی مدل شتر» در بشارت به مسلمانان پیشنهاد می دهد. این پل زنی مفهومی، اشاره به توسعه از یک ساختار الهیاتی می کند که مخاطبان مسلمان با آن آشنایی قبلی دارند و تجاوز به حدود محسوب نمی شود.^۱

فرخ می نویسد:

در ترجیح دادن پل زنی مفهومی بر پل زنی متنی، دو اعتراض سریع را می توان پیش بینی کرد. این اعتراض ها در اینجا پاسخ داده خواهد شد. اول ممکن است شخصی به سادگی این فرض را مطرح کند که آیا در پشت هر مفهوم اسلامی یک متن قرآنی وجود ندارد؟ درحالی که تا حد زیادی ممکن است درست باشد، اما مفاهیم پل زنی که در زیر پیشنهاد شده در بسیاری از ادیان، مشترک و رایج است، و فقط مختص مسیحیت و اسلام نیست. دوم، برخی ممکن است فکر کنند که آیا پل زنی پولس از منابع بت پرستانه توجیهی برای پل زنی از متون قرآنی فراهم آورده باشد. اگرچه پولس به گونه ای تصدیق کننده از «نبی» کریتی در تیتوس ۱: ۱۲ نقل می کند، اما این کار را برای مقاصد بشارتی انجام نمی دهد. در عوض، او این کار را برای «سرزنش» (آیه ۳) «گردنکشان یاوه گو و فریبکار» (آیه ۱۰) می کند که تمایل کریتی ها به بودن هم چون افرادی «دروغگو، وحوشی شرور، و شکم پرست» را نشان می دهد. استناد به این مورد به عنوان نمونه ای از

1. Farrokh Fred. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE 1 / FEBRUARY 2018 p36

بشارت همبافت مند سازی پولس، احمقانه به نظر می رسد. علاوه بر این، پولس در موعظه اش در کوه مارس، از شاعران گمنام یونانی نقل می کند: «زیرا ما نیز فرزندان او هستیم» (اعمال ۱۷: ۲۸). از آنجا که پولس از یک منبع بت پرست نقل کرده، این پرسش پیش می آید که چرا غیر اخلاقی و بی ثمر است که گفتگوی بشارتی با یک مسلمان را با یک متن قرآنی شروع کنیم، همان گونه که در مدل شتر کوبین گریسون انجام شده است. اما استفاده پولس از شاعران بت پرست در آتن در واقع نمونه ای از پل زنی مفهومی است، و نه پل زنی متنی. اول زمینه کلی موعظه پولس در کوه مارس باید مورد توجه قرار گیرد. پولس اساساً به دنبال نابود کردن الحاد بود و «روح او در اندروتش مضطرب گشت چون دید که شهر از بت‌ها پر است». (اعمال ۱۷: ۱۶). پولس نفرت درونی خود نسبت به الحاد را با آغاز کردن ارایه انجیل خود با شهادت به خدای واقعی، اعلام عیسی و رستاخیز، نشان می دهد. برداشت فلاسفه اپیکوری و رواقیون از سخنان پولس این بود که این یاوه گویی درباره «خدایان غریب» است (آیه ۱۸). بنابراین، پولس موعظه خود را نه از منابع الحادی، بلکه از موضوعی کتاب مقدسی آغاز می کند. از آنجایی که درک موعظه پولس برای این ملحدان سخت بود و چون اطلاعات بیشتری از او خواستند (آیه ۲۰)، پولس از پل زنی مفهومی در خصوص «خدای ناشناخته» و ذکر شاعران ملحد از این که مردم فرزندان خدا می باشند استفاده کرد. دوم، در اعمال رسولان ۱۷:۲۸، پولس از یک شاعر خاص نقل قول نمی کند، بلکه صرفاً از تعداد نامشخصی از شاعران نامعلوم اشعاری را بیان کرده است. ظاهراً این مفهوم که انسانها فرزندان خدا می باشند، مفهوم یا مایه ای ناشناخته در شعر آن زمان نبود. سوم، پولس زمانی که هویت شاعران را به عنوان «بعضی از شاعران خودتان» احرار می کند، به آنها اعتبار نمی بخشد یا با آنها بیعت نمی کند. چهارم، پولس به یک متن

خاص اشاره نمی کند، در حالی که در پل زنی متنی قرآنی، سوره ها و آیات خاص همیشه با ذکر نام و شماره آورده می شود. در این مورد، به نظر می رسد پولس ارجاع مرکب یا موضوعی می دهد که بیشتر با پل زنی مفهومی سازگار است تا پل زنی متنی. در خصوص پیشنهاد پل زنی مفهومی باید گفت که مسیحیت، اسلام، و بسیاری از ایمانهای دیگر، در شماری از مفاهیم الهیاتی اشتراک دارند که نقاط عالی برای پل زنی را فراهم می آورند که عبارتند از تصدیق باور به یک خدا، روز داوری، و نزول کلام خدا به زمین.¹

فرد فرخ در مقابل مدل های الهیات بومی که با نام زمینه مند سازی شناخته می شوند مدل زمینه مند سازی سالم ارایه می دهد که بدون تجاوز به حدود اسلامی بتوانند یک تبشیر صادقانه داشته باشند. زمینه های که می توان به تبشیر پرداخت.

خدا باوری

فرخ معتقد است گفتگو با مسلمانان را می توان با این جمله ساده شروع کرد: «لطفاً در مورد اعتقاد خود به خدا به من بگو». این تصدیق نمی کند که مسیحیان باور دارند که خدایی که قرآن توصیفش می کند همانی است که کتاب مقدس توصیفش کرده است. از آنجایی که اکثر مسلمانان دوست دارند در مورد خدا و دین صحبت کنند، این نوع سؤال ساده می تواند مکالمه ای روحانی را آغاز کند و فرصتی برای در میان گذاشتن انجیل فراهم کند.

1. Ibid p 64

روز داوری (معاد)

اعتقاد اساسی مسلمانان به روز داوری یا قیامت، فرصت دیگری را برای پل زنی مفهومی فراهم می آورد. یک پرسش بشارتی ساده که یک مسیحی می تواند از یک مسلمان سوال کند این است: «آیا می توانید به من بگویید که با اعتقادات، چه اتفاقی برایت در روز قیامت خواهد افتاد؟ این پرسش حاوی یک ارتباط ویژه است، چرا که اسلام به حاکمیت نهایی الله معتقد است که مانع اطمینان واقعی از نجات می شود. سپس پیام آور، فرصت شنیدن پاسخ دوست مسلمانش و همین طور فرصت های بیشتر برای ادامه گفتگو بدست می آورد.

نزول کلام خدا به زمین

به عنوان یک نمونه پیشنهاد پایانی، می توان در پاسخ به اعتراضات رایج مسلمان علیه تثلیث یا الوهیت عیسی، یک پل زنی مفهومی بکار برد. بسیاری از ادیان به نزول الهی، یا کلمه الهی، به زمین اعتقاد دارند. به عنوان مثال، داروغه شهر افسس، و نه پولس، بیان می کند که تمثال آرتیمیس به زمین نازل شده است. (اعمال ۱۹: ۳۵) مسیحیان به خالی شدن مسیح اعتقاد دارند که کلام جسم گردید و در میان ما ساکن شد. (فیلیپیان ۲:۷؛ یوحنا ۱: ۱۴) هرچند مسلمانان ایمان ندارند که خدا در قالب عیسی به زمین آمد، اما آنها ایمان دارند که کلام خدا در قالب قرآن به زمین نازل شده است. این را در مفهوم اسلامی تنزیل می گویند که به معنی نزول کلام خدا است. سؤالی که با استفاده از آن بتوان پل زد می تواند چنین باشد: «آیا شما به کلام خدا که به زمین نازل شده ایمان دارید؟» یا «اگر

شما به تنزیل کلام خدا به عنوان یک کتاب اعتقاد دارید، آیا خدا نمی تواند در قالب مسیح موجب تنزیل شود؟».

همه این تکنیک های پل زنی مفهومی از ارجاع متنی مستقیم و تجاوز به قرآن اجتناب می کند. علاوه بر این، این تکنیکها شخص مسلمان را راحت می گذارد، در حالی که اگر مبشر مسیحی هم چون یک مفسر به متون واقعی قرآن پردازد بدون این که آموزش و تجربه لازم برای این کار را داشته باشد، احتمالاً شخص مسلمان آن را تجاوز به حدود قلمداد خواهد کرد. در آخر و مهم تر از همه، پرهیز از پل زنی متنی، باعث می شود که شخص مسلمان فکر نکند که پیام آور مسیحی خودش معتقد به اعتبار و اقتدار متن قرآن است.¹



1 Ibid p 66

نتیجه

C۵ مهم‌ترین مدل‌های طیف C است؛ مدل‌های جزئی و مصداقی مانند مدل شتر، مدل طلوع، مدل محمد پیامبر کتاب مقدس، پیروان مسلمان عیسی، پیروان مسلمان مسیحایی عیسی، مسلمانان کتاب مقدسی و مسلمانان در مسیح مدلی صریح در نفوذ هویتی و تخریب هویت اسلامی - ایرانی است.

این مدل‌های خطرات بسیاری برای جهان اسلام دارند و در صورت نفوذ به جامعه مسیحی خطرات بسیاری برای مسیحیت هم دارد. برخی میسولوژیست‌ها از پروتستان مانند کشیش دکتر فرد فرخ و کشیش جان اسپان و ادوین آبنوس مخالف این مدل‌ها هستند و فرد فرخ مدل هویت یکپارچه در مسیح بر اساس تقابل فرهنگی در مقابل این جنبش درونی معرفی می‌کند.

جنبش درونی، مدلی هدفمند از جی تراویس است که سعی دارد افراد با دوهویت مسیحی - اسلامی در جامعه اسلامی زندگی کنند. از سوی دیگر متأسفانه با مدیریت‌های ضعیف خودمان باعث ترویج طیف‌های مختلف C به خصوص جنبش درون شدیم. کریستین اندرسون ضعف‌های ساختاری هم‌چون رابطه ضعیف خانواده‌ها با مساجد را عامل سرعت بخشیدن به جذب به مسیحیت می‌داند.

امروزه را می‌توان عصر تقابل هویتی نام برد. محافظت از هویت اسلامی ایرانی از هجمه مدل‌های تبشیری بیرونی و حذف اشتباهات درونی جامعه از مهم‌ترین وظایف نخبگان اسلامی است.

منابع:

۱. دره حداد ، يوسف، القرآن دعوة نصرانية، انتشارات بولسيه، بيروت، لبنان ، ۱۹۸۶ ميلادی
۲. _____ مدخل الى الحوار الاسلامي المسيحي، انتشارات بولسيه، بيروت، لبنان، ۱۹۹۳ ميلادی
۳. شريعتمداری، حميدرضا، درآمدی بر گفت وگوى اسلام و مسيحيت، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۴.

1. Anderson.Christian J. Navigating the Constraints of the Ummah: A Comparison of Christ Movements in Iran and Bangladesh. International Journal of Frontier Missiology 35:3 Fall 2018
2. Bevans, Stephen B.. Models of Contextual Theology . Maryknoll, NY: Orbis Books (2002)
3. Bosch David J. TRANSFORMING MISSION Paradigm Shifts in Theology of Mission TWENTIETH ANNIVERSARY EDITION. American Society of Missiology Series, No. 16 Orbis Books 2011
4. Edwin Reynolds, "New Testament Principles and Models for Ethical Contextualization of Missions." A paper presented at the Eighth Biblical-Theological Symposium for the Faculty of Theology at the Adventist University of Chile, Chillan, Chile, May 18-20, 2009
5. Farrokh Fred. Contextualization and "Encroachment" in Muslim Evangelism. Journal of Global Christianity. VOLUME IV / ISSUE 1 / FEBRUARY 2018
6. Farrokh Fred. INDIGENOUS PERSPECTIVES ON MUSLIM IDENTITY AND INSIDER MOVEMENTS. Published in Global Missiology, January 2015
7. Greeson Kevin THE CAMEL in THE CAMEL How Muslims Are Coming to Faith in Christ Revised Edition. Wigtake Resources LLC; Revised Edition edition. January 1, 2010
8. Hiebert Paul G., "Culture and Cross-Cultural Differences," in Perspectives on the World Christian Movement: A Reader, ed. Ralph D. Winter and Steven C. Hawthorne (Pasadena, CA: William Carey, 1981)

9. Higgins Kevin "The Key to Insider Movements: The 'Devoted's' of Acts," ,
International Journal of Frontier Missions. IJFM 21:4 (Winter 2004)
10. Hibbert Richard Y. Negotiating identity: Extending and applying Alan Tippett's
model of conversion to believers from Muslim and Hindu backgrounds. Missiology:
An International Review 2015, Vol. 43(1)
11. Ibrahim Ayman S AND Greenham Ant. Muslim Conversions to Christ A Critique
of Insider Movements in Islamic Contexts. New York: Peter Lang, 2018.
12. KNITTER PAUL F. Mission and Dialogue. Missiology: An International Review,
Vol. XXXIII, no. 2, April 2005 p 201
13. Khalidi, Tarif. 2003. The Muslim Jesus: Sayings and Stories in Islamic Literature.
Cambridge, MA: Harvard University Press
14. Lingel Joshua, Jeff Morton and Bill Nikides, eds, 2012. Chrislam: How
Missionaries are Promoting an Islamized Gospel. Lighthouse Pointe, FL: 12 Ministries
Publishing.
15. Martin.Carlos G .A BIBLICAL CRITIQUE TO C5 STRATEGIES AMONG
MUSLIMS. Published in "Spiritual Dynamics" of www.GlobalMissiology.org July,
2012
16. Massey Joshua, "God's Amazing Diversity in Drawing Muslims to Christ,"
International Journal of Frontier Missions 17, no. 1 (2000): 7.
17. Owen David, David Owen, "Project Sunrise Publication Report," (Larnaca,
Cyprus: np 1987)p 4
18. rebecca Lewis, "Promoting Movements to Christ within Natural Communities,"
International Journal of Frontier Missions, 24:2 (Summer, 2007)
19. Rick Brown, "Biblical Muslims," International Journal of Frontier Missions 24, no.
2 (2007)
20. .Richard Jameson, "God's Creativity in Drawing Muslims to Jesus," in
Understanding Insider Movements: Disciples of Jesus within Diverse Religious
Communities, eds. Harley Talman and John Travis (Pasadena, CA: William Carey
Library, 2015)
21. Steffen Tom. Missiology's Journey for Acceptance in the Educational World.
Missiology: An International Review.vol. XXXI, No.2, April 2003

22. Span John. The 'Mother of the Books': A Case Study of the Consequences of a Seminal Muslim Idiom Translation. In JOURNAL OF GLOBAL CHRISTIANITY. VOLUME III . ISSUE I . 2017

23. Sam Schlorff, "The Translational Model for Mission in Resistant Muslim Society: A Critique and an Alternative," *Missiology* 28, no. 3 (JI 2000), 311. Schlorff cites the Moroccan paper, *al-'Alam*, April 2, 1989. Also, see his *Missiological Methods*, (2006),

24. Talman Harley. Is Muhammad Also Among the Prophets?. *International Journal of Frontier Missiology*. 31no 4 (2014)

25. Travis John, "Messianic Muslim Followers of Isa: A Closer Look at C5 Believers and Congregations," *International Journal of Frontier Missions* 17, no. 1 (2000)